

# برجسته‌ترین زنان ادیب و شاعر ایران در دوران مشروطیت

(در سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۳۰۴ هجری شمسی)

## و نقش آن‌ها در تحولات اجتماعی ایران

دکتر رزّا قراچورلو

استادیار دانشکده‌ی حقوق و وکیل دادگستری

### □ مقدمه

در این مقاله‌ی مختصر نگارنده قصد دارد تا برخی از اشعار و آثار بانوان ادیب و شاعر ایرانی در دوران بحرانی مشروطیت بویژه سال‌های بین ۱۲۸۵ تا ۱۳۰۴ هجری شمسی را معرفی نماید. زنانی که به‌طور مسلم هم‌پای مردان فرهیخته و ادیب این دوره از تاریخ معاصر ایران در عرصه‌ی فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی، هنری، ادبی، اقتصادی و علمی درخسیده‌اند.

البته تا قبل از انقلاب مشروطه برخی از زنان شعرهایی می‌سرودند، اما آن‌چه که مسلم است، پس از انقلاب مشروطه اشعار زنان از محدوده‌ی اشعار غنایی، عرفانی، مدح و ستایش و... فراتر رفت.<sup>۱</sup> بدین ترتیب نوشته‌ها و اشعار آنان در جامعه‌ی سنتی قاجار زمینه‌های ایجاد تحولات اجتماعی را آماده نمود.<sup>۲</sup>

به‌طور کلی اشعار زنان در این دوران قالب انتقادی داشته و در اعتراض به وضعیت اجتماعی و سیاسی حاکم بر آن دوره بوده است و در عین حال با سرودن اشعار خود، احساسات لطیف زنانه خود را نیز بیان می‌داشتند. بعضی از زنان ادیب و شاعر هم با سرودن اشعار و نوشتن مقالات خود در نشریات و جراید آن دوره در جهت ایجاد تحولات در وضعیت اجتماعی و سیاسی برآمدند که از آن جمله می‌توان از خانم‌ها مهرتاج رخشان، شمس کسمائی، نیم‌تاج لک، پروین اعتصامی، فخر عادل خلعتبری، صدیقه دولت‌آبادی و فخر آفاق پارسا نام برد.

زنان ادیب و شاعر در این دوره، زنان تجددطلب و ترقی‌خواهی بودند که غالباً در اشعار خود از مسأله‌ی آزادی زنان و مساوی‌بودن زن و مرد در جامعه و خانواده و حکومت نظام مردسالاری و لزوم تعلیم و تربیت زنان در جامعه را مطرح می‌کردند.

با توجه به ضرورت اختصاری‌بودن مطلب و اجتناب از تطویل کلام، در این‌جا فقط پس از شرح حال اجمالی از هر

یک بانوان شاعر در این دوره به مهم‌ترین و برجسته‌ترین اشعار آن‌ها اشاره می‌شود.

### ۱- بانو نیم‌تاج لک (خاکپور)

وی اهل سلماس آذربایجان و از جمله شاعران پُرآوازه‌ی دوره‌ی مشروطه بود. پدرش یوسف و مادرش نرگس نام داشت. بانو نیم‌تاج از خانواده‌های گلستانی بود که از خاندان‌های به‌نام و سرشناس آن زمان به‌شمار می‌رفت. وی تا سال یازدهم دبیرستان تحصیل کرده بود و زبان‌های انگلیسی و ترکی را به خوبی می‌دانست و از هنرهای دستی از جمله گلدوزی و دوزندگی نیز بهره‌مند بود. وی دارای دویست بیت شعر بود که دو تا از چکامه‌های وی به‌نام «کاوه» و دیگری به‌نام «پیام ما به تهران» و در هنگام شورش آذربایجان در سال ۱۳۳۷ هجری قمری و در زمان جوانی خود و پیش از ازدواج و آمدن به تهران درباره‌ی «پریشانی و کشتار و تاراج رضائیه، سلماس و رشت» سروده است<sup>۳</sup> و اشعار وی در نشریه‌ی *زبان زنان*<sup>۴</sup> در شماره‌های چهارم و پنجم به چاپ رسید. وی در جنگ ارومیه به اتفاق مجاهدین با لباس نظام جنگ کرد و به شهادت رسید.

شعر کاوه‌ی وی که به‌نام «خون برادران همه سرخاب رو کنند»<sup>۵</sup>، یازده بیت است که در این‌جا دو بیت آن ذکر می‌گردد:

ایرانیان که فرکیان آرزو کنند

باید نخست کاوه‌ی خود جست‌وجو کنند

مردی بزرگ باید و عزمی بزرگ‌تر

تا حل مشکلات به نیروی او کنند

هم‌چنین شعر ایشان به نام «پیام ما به تهران» نه بیت است

که دو بیت آن ذکر می‌گردد:

کیست که پیغام ما به شهر تهران برد

ز گلّه‌ی دریده‌در، خبر به چوپان برد

وطن پرستان ما فتاده دور از وطن

گشوده دست سوال به سوی یاران برد<sup>۶</sup>

## ۲- بانو مهر تاج رخشان

پدر وی در جوانی به عبات رفت و در آنجا تحصیل نمود و سپس به ایران بازگشت و با دختر حکیم سیما از حکمای معروف زمان ناصرالدین شاه ازدواج کرد. مادر وی از سواد بهره‌ی نداشت، لیکن دانا و خوش‌سخن بود.

وی اولین فارغ‌التحصیل ایرانی مدرسه‌ی دخترانه‌ی آمریکایی در هجده سالگی (در سال ۱۲۹۰ هجری شمسی) بود. از همان سال در انجمن خوانین ایران<sup>۷</sup> به همراه تنها خواهر خود نورالدجی فعالیت می‌کرد. در مدرسه‌ی آمریکایی تدریس می‌نمود و سپس در اصفهان مدرسه‌ی ام‌المدراس را تاسیس نمود.<sup>۸</sup>

وی با بانو صدیقه دولت آبادی در اصفهان، با میرزاده‌ی عشقی و نیز با میرزا کوچک‌خان (در گیلان) مناسبات فرهنگی و دوستی صمیمانه‌ی داشت.

وی در شاهرود به خاطر به‌کارگیری روش‌های نوین در تدریس در یکی از دبستان‌های ملی به‌جای آن که مورد تشویق قرار گیرد، توبیخ شد. سپس به تهران آمد و به عضویت کنگره‌ی نسوان شرق درآمد.<sup>۹</sup>

او هرگز ازدواج نکرد و با تعدد زوجات نیز به شدت مخالف بود، به طوری که علت عدم ازدواج خود را چنین بیان می‌کند: «مردانی که در زندگی مورد پسند من واقع شدند، زن و بچه داشتند و من نمی‌خواستم برخلاف اصولی که به آن پایبند بودم، رفتار کرده و خود را قربانی تعدد زوجات کنم.»<sup>۱۰</sup>

وی در اشعار خود به حق رای زنان و حق کارکردن زن در جامعه و مقایسه‌ی وضعیت زن ایرانی با توجه به پیشرفت زن‌های کشورهای دیگر، موقعیت سیاسی و اجتماعی زنان و محکوم کردن نظام مردسالاری می‌پرداخت.<sup>۱۱</sup>

وی سروده‌ی بسیار زیبای سی و سه بیتی دارد که چند بیتی از آن را به‌عنوان نمونه در این‌جا یادآور می‌شویم:

چرا نگریم؟ چرا نزاریم

ز جور مردان اسیر و خواریم

شدند هشیار زنان ژاپن

شدند بیدار زنان افغان

زنان قفقاز شدند آزاد

اسیر بیدار زنان ایران

زنان هندی دلیر گشته

زنان افغان امیر گشته

زنان ترکی وزیر گشته

زنان ایران اسیر گشته

نه حق فریاد و دادخواهی

نه زین اسارت پناهگاهی

چرا نگریم؟ چرا نزاریم

ز جور مردان اسیر و خواریم

## ۳- بانو شمس کسایی

وی متولد سال ۱۲۶۲ هجری شمسی در یزد و ساکن تهران و خانه‌دار بود و همیشه به مطالعه می‌پرداخت. پدرش (خلیل) بازرگان بود. بانو کسایی به زبان‌های روسی و ترکی آشنا بود و همیشه در سفر و گردش بود و به عراق و شوروی سابق سفر کرده بود.

وی در آذربایجان فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی نیز می‌کرد و بسیاری از اشعار وی در نشریه‌ی **جهان زنان** چاپ می‌شد. وی دارای پانصد بیت شعر و اوراق پراکنده‌ی بی‌نثر می‌باشد و در اشعار خود در جهت بیداری زنان و لزوم تعلیم و تربیت دختران و زنان و تشویق آن‌ها به مشارکت در امور سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بوده است. هم‌چنین در نشریه‌ی **عالم نسوان** نمونه‌ی بی‌نثر از اشعار وی به شرح ذیل به چاپ رسید.<sup>۱۲</sup>

ای جنس لطیف پرده‌پوشی تا چند نقش خط و خال و خود فروشی تا چند از دست رقیب باده‌نوشی تا چند بی‌حسی و سستی و خموشی تا چند این نیست نتیجه‌ی حیات انسان

زن‌های عجم که پیش از ما بودند باتربیت و عالم و دانا بودند پُرجرات و قادر و توانا بودند در کشور خویش حکم‌فرما بودند

ایران به تو احتیاج دارد نسوان

در قرن ترقی، من و تو سرگردان

نام دیگر سروده‌های مشهور وی عبارتند از: اشرف مخلوقات، عمل،

آیین برتری، جهان زنان.

به جهت پُر معنا بودن قطعه‌ی شعر جهان زنان، آن ابیات را در این‌جا

بیان می‌داریم:

در بر اهل یقین و صاحب وجدان

مطلب بهت‌آوری ست عالم نسوان

دوره‌ی آزادی است و روز رهایی

ما زن و مرد از چه روی سر به گریبان؟

جامه‌ی غلفت چه سود چاک نمودن

خود رسد این وقت هرج و مرج به پایان

## ۴- بانو بدری تندری (فانی)

وی در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی در شهر

تهران متولد شد. پدر وی شیخ حسین‌علی

کاشفی دارای معلومات قدیمی عربی و فارسی و

در جریان مشروطه از طرفداران آیت‌الله سید

عبدالله بهبهانی و مادر وی به‌نام مریم خواهر

آیت‌الله بهبهانی و دارای معلومات قدیمی عربی و فارسی

بود.

بانو بدری تندری برای خود تخلص فانی را انتخاب

نمود. وی با نقاشی سیاه‌قلم و فن موسیقی (تار) و همه‌ی

هنرهای دستی آشنا بود و زبان فرانسه و عربی را می‌دانست و معلومات وی در حد لیسانس ادبیات فارسی بود.

این بانوی هنرمند دو هزار بیت در سبک عراقی و رئالیست سروده است. آرزوی او برتری یافتن ادبیات فارسی ایران در جهان بود. وی در مورد حقوق و آزادی زنان اشعاری سروده است که از معروفترین آن‌ها عبارتند از: آزادی زنان، مادر وطن، صلح و جنگ.

ایاتی از آزادی زنان به جهت زیبایی معنایی آن در این جا قید می‌گردد:

در این کشور چرا ناقص بود آزادی نسوان  
اروپا گوی آزادی زنان را بُرد از میدان  
اگر علم و ادب آموختن بر مرد و زن فرض است  
نگردد از چه در ایران حقوق مرد و زن یکسان  
سزد گر عمر باقی مانده را از جان و دل «فانی»  
دهی از دست یکسر در ره آزادی نسوان<sup>۱۳</sup>

### ۳- بانو فاطمه سلطان خانم

وی دختر حاج میرزا حسین نواده سید ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، وزیر دانشمند زمان محمدشاه قاجار بود که در سال ۱۲۸۲ هجری شمسی متولد شد و در سال ۱۳۰۰ در هجده سالگی با پسرعموی خود ازدواج نمود.

وی در اشعار خود مقام زن و نکات اخلاقی دختران و زنان را مورد توجه خود قرار داده است. وی چکامه‌ی بلند بیست و دو بیتی در وصف و ستایش کتاب **خیرات الحسان** اثر محمدحسن خان اعتمادالسلطنه و نیز قطعه‌ی مشهور به نام «اندرز به دختر» در نه بیت سروده است.<sup>۱۴</sup>

اینک چند بیتی به‌عنوان نمونه از سروده‌ی اول وی در این جا مورد ذکر قرار می‌گیرد:

چو آفتاب پدیدار شد اگر یک چند  
نهفته بود هنر در زنان دانشمند  
هنر خلیفه فرزند باشد انسان را  
همی بیاید که زن بزاید این فرزند  
زنان فراخور مدحند و لایق تمجید  
که امهات کمال اند و مستحق پسند  
نه هر که مقنعه بر سرفکند شد بانو  
نه هر چه شیرین باشد بُود شکر و قند  
زنان باهنر الحق که فخر کنند  
از این صحیفه که شد خوش‌تر از صحیفه‌ی زند  
نگاشت میرزا اجل اعتماد السلطنه نغز  
یکی رساله ز مُشک ختن بسان پَرند

### ۶- بانو فخر عادل خلعتبری (فخر عظمی ارغون)

وی در سال ۱۲۷۹ هجری شمسی در تهران از پدری به نام مرتضی قلی‌خان (مکرم‌السلطنه) دارای معلومات و منصب نظامی و آگاه به ادبیات، تاریخ، موسیقی و آشنا به زبان‌های ترکی، فارسی، عربی، فرانسه و از مادری به نام قمر (عظمت‌السلطنه) آشنا به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، عربی و ترکی متولد شد. فخری دبیر ادبیات فارسی و تاریخ و جغرافی و زبان‌های خارجی باسابقه‌ی چهل سال خدمت در وزارت فرهنگ بود.

ابتدا با آقای عباس خلیلی نویسنده و روزنامه نگار ازدواج نمود و خانم سیمین بهبهانی (شاعر نام‌آور و خوش‌آوازه‌ی معاصر) حاصل این ازدواج است، سپس با آقای عادل خلعتبری صاحب امتیاز روزنامه‌ی آینده‌ی ایران ازدواج کرد و سه فرزند نیز حاصل این ازدواج دوم می‌باشد. وی با نقاشی و موسیقی ایرانی و هنرهای دستی هم‌چون دوزندگی و گلدوزی آشنایی کامل داشت. او از جمله موسسان جمعیت نسوان وطن‌خواه بود که تحصیلات مقدماتی را در سوئیس گذرانده بود و زبان فرانسه را به خوبی می‌دانست.

در ایران نیز زبان عربی، فقه، اصول و مقدمات فن شعر و سپس زبان انگلیسی را (در مدرسه‌ی عالی آمریکایی) فراگرفت. ساز را خوب می‌نواخت و در مدارس ناموس و دارالمعلمات، معلم فرانسه شد.

در سال ۱۳۱۴ هجری شمسی سردبیری روزنامه‌ی آینده‌ی ایران را برعهده گرفت و در همین سال هم با عادل خلعتبری ازدواج کرد و خود به تاسیس روزنامه‌ی به نام **نامه‌ی بانوان** اقدام کرد.<sup>۱۶</sup>

وی که فخری را تخلص خود ساخته بود، دارای چهار هزار بیت شعر است و هم‌چنین مقالات متعددی به نام‌های ازدواج اجباری، اوراق پریشان، سرگذشت یک زن، دختر نادان، پیمان شکسته نگاشت. ترجمه‌هایی از کتاب‌های خارجی انجام می‌داد که در نشریات آن دوره به چاپ می‌رسید.

برخی از معروفترین سروده‌های وی عبارتند از: مهر میهن، راه اصلاح، آرزوی من، موی سیاه، احترام زن، جهان زن. در این جا چهار بیت از قطعه‌ی شعر زیبای وی به نام «جهان زن» که کلاً شش بیت می‌باشد، به‌عنوان نمونه بیان می‌شود:

جهان زن نه همین زلف پُرشکن باشد  
نه عارض چو گل و غنچه‌ی دهن باشد  
جمال زن به حقیقت کمال عفت اوست  
چنین زنی همه‌جا شمع انجمن باشد  
صبا ز قول من این نکته را بپرس از شیخ  
چرا ضعیفه در این مُلک نام من باشد  
اگر ضعیفه منم از چه رو به عهده‌ی من  
وظیفه‌ی پرورش مرد پیلتن باشد<sup>۱۷</sup>

## ۷- بانو هما محمودی

وی از جمله نویسندگان بسیار فعال پس از مشروطه بویژه در سال ۱۳۰۱ هجری شمسی می‌باشد که با چاپ مقالات انتقادی در نشریات اختصاصی زنان مانند مجله‌ی **نسوان وطن خواه ایران** در جهت احقاق حقوق زنان و آزادی نسوان تلاش می‌نمود و در انتقاد از مردانی که زنان فعال را سرزنش و تحقیر می‌کردند، اشعاری می‌سرود.

شعر انتقادی او از آقای بزرگر<sup>۱۸</sup> در روزنامه‌ی **قانون** ۱۹ در سال ۱۳۰۱ هجری شمسی به چاپ رسید.<sup>۲۰</sup>

این شعر ۱۶ بیت است که در فاصله‌ی هر دو بیت یک‌بار، ایشان مصرع «تو برزیگری بیلت آید به کار» را تکرار نموده است. به جهت رعایت اختصار فقط قسمت کوتاهی از آن در این‌جا ذکر می‌شود:

ز گفتارت ای بزرگر شرم دار      به بی‌حرمتی نام نسوان میار  
ز فرس خودت پا فزون تر مدار      تو با صحبت بانوانت چه کار؟  
تو برزیگری بیلت آید به کار<sup>۲۱</sup>

## ۸- بانو پروین اعتصامی

پروین در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی در تبریز از پدر دانشمندی به نام یوسف اعتصامی (اعتصام‌الملک) متولد شد. دبستان و دبیرستان و ادبیات فارسی و عربی را نزد آموزگاران خانگی و نیز نزد پدر ادیب خود بیاموخت و سپس به آموزشگاه آمریکایی تهران رفت و زبان انگلیسی را هم در آن‌جا یاد گرفت و از آن آموزشگاه گواهی‌نامه‌ی خود را اخذ



نمود و به کار دبیری ادبیات فارسی پرداخت.

وی دارای دیوان اشعاری ست و اشعار وی نیز شامل چکامه و مثنوی و چامه می‌باشد که به همت برادر بزرگ‌تر وی ابوالفتح اعتصامی کارمند عالی‌رتبه‌ی وزارت امور خارجه در مرداد ماه ۱۳۱۴ هجری شمسی چاپ و پخش شد. پروین هم‌چنین دارای چهارپاره‌ها و رباعیات و حتا تک‌بیت‌های پراکنده‌ی بسیاری ست که برخی از آن‌ها در دیوان اشعار وی به چاپ رسیده است.

شادروان محمدتقی بهار (ملک‌الشعرای بهار) مقدمه و دیباچه‌ی بسیار زیبا برای معرفی و شناساندن پروین و اشعارش در دیوان اشعار وی نوشته است و او را دارای لطافت روح و مادری دلسوز و غمگسار و هم‌ردیف با مولای روم (مولانا) و عطار و جامی در خصوص دانایی نسبت به اسرار زندگی دانسته است.<sup>۲۲</sup>

اشعار وی بیش‌تر جنبه‌ی اجتماعی داشته و مسائلی چون آزادی زنان، مبارزه با ستم و فقر، حمایت از افراد نیازمند و بی‌پناه، محکوم کردن فرهنگ مردسالاری حاکم بر جامعه‌ی ایران دوران قاجار، احترام به نقش مادری و همسری برای زنان، تأکید بر داشتن اخلاق نیکو برای زنان،

لزوم شرکت در امور اجتماعی و مساوی بودن زن و مرد، مخالفت با خرید کالاهای خارجی از طرف زنان ایرانی (که این امر رانشانه‌ی نادانی و جهل آن‌ها می‌داند) محکوم کردن افکار تجمل‌پرستی و آرایش و پوشیدن لباس‌های زیبا را در آن‌ها مطرح می‌کند.

وی در سال ۱۳۱۳ هجری شمسی با سرعموی خود ازدواج کرد، ولی چون این پیوند با اندیشه‌ها و فعالیت‌های پروین سازگار نبود، بیش از چهار ماه نپایید و با جدایی و طلاق پایان یافت. پروین در سی و پنج سالگی (در سال ۱۳۲۰ هجری شمسی) به خاطر ابتلاء به بیماری حصیه زندگی کوتاه خود را بدرود گفت و به‌سرای جاودان شتافت.

آرامگاه وی در صحن جدید حضرت معصومه در قم در همان آرامگاه خانوادگی و در کنار مزار پدرش می‌باشد. او برای سنگ مزارش قطعه شعری را از قبل سروده بود که پس از درگذشت وی همان را بر سنگ مزارش نقش نمودند. این ابیات یازده بیت است که به دو بیت از آن در این‌جا اشاره می‌شود:

این که خاک سیهش بالین است

اختر چرخ ادب پروین است

گرچه جز تلخی از ایام ندید

هرچه خواهی سخنش شیرین است

وی چکامه‌ی بسیار معروفی به نام «فرشته‌ی انس» دارد که سی و هشت بیت است و در مقام والای زن (برابری زن و مرد) سروده است که به سه بیت آن در این‌جا اکتفا می‌شود.

در آن سرای که زن نیست انس و الفت نیست

در آن وجود که دل مُرد، مُرده است روان

به هیچ مبحث و دیباچه‌ی قضا نوشت

برای مرد کمال و برای زن نقصان

زن از نخست بُود رکن خانه‌ی هستی

که ساخت خانه‌ی بی‌پای بست و بی‌بنیان

## ۹- چند بانوی شاعر دیگر

### در این دوران به اختصار

- بانو دلشاد خانم چنگیزی که در نشریه‌ی

**عالم نسوان**، اشعار و مقالات انتقادی و

طنزآمیز و در محکومیت نظام مردسالاری

حاکم بر جامعه‌ی آن روز نوشت و از

معروف‌ترین اشعار وی، «این است و داعیه» در

چهارده بیت در جهت انتقاد از عدم آزادی زنان

سروده شده است.<sup>۲۴</sup>

- بانو فصل بهار خانم ملقب به ایران الدوله و

متخلص به جنت نواده‌ی فتحعلی‌شاه قاجار بوده است.

علاقه‌ی بسیاری به شعر و ادبیات و خواندن و نوشتن داشت.

جنت در سیزده‌سالگی با یکی از رجال دوران قاجار ملقب به

حاجب‌الدوله که مردی ادیب و همراه و پشتیبان وی بود،

ازدواج نمود.

بانو جنت به زبان فرانسه و موسیقی تسلط داشت و در نقاشی هم از شاگردان کمال الملک بود. وی اهل معاشرت با بزرگان ادب و هنر آن زمان بود و مهمانی‌هایی در منزل خود ترتیب می‌داد تا با آن‌ها تبادل افکار نماید. از او دیوانی خطی حاوی شش هزار بیت از غزل و قصیده و قطعه و رباعیات باقی مانده است. وی ۶۴ سال عمر کرد و در سال ۱۳۵۹ هجری قمری در تهران با زندگی وداع گفت. ۲۵

معروف‌ترین اشعار وی عبارتند از: مهر دوستان، نام من، اسرار عشق، راه حقیقت، عشق سرکش، دل شکسته، حاصل عشق، دل من، صبح امید، طعنه‌ی دشمن و ناله‌ی عشق. ۲۶

- بانو زینت ملک اعتضادی (تخلص زینت) که در تهران در خانواده‌ی اهل مطالعه و ادبیات و فرهنگ متولد شد و با ادیب نیشابوری و شاهزاده ایرج میرزا (جلال‌الممالک) و با ملک‌الشعراى بهار، سخنوران و شعراى معروف زمان خود، ارتباط ادبی و فرهنگی داشت.

از وی چند غزل در نشریات زمان خود به چاپ رسیده است، ولی متأسفانه جز چند مدیحه و چند گلایه (شکوایه) از ملک‌الشعراى بهار همراه با پاسخ ملک‌الشعراى به وی، شعر دیگری از ایشان باقی نمانده است. ۲۷ او در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی در سی سالگی زندگانی را بدرود گفت.

وی به خاطر چاپ نشدن شعرش توسط ملک‌الشعراى بهار در مجله‌ی وی به نام **نوبهار**، در شکایت از او، شش بیت زیبا سروده بود که به جهت رعایت اختصار در این جا فقط دو بیت از شعر وی و سپس دو بیت پاسخ زیبای ملک‌الشعراى بهار را می‌آوریم:

نام من گر به مجله نبری غم نبود  
که تو را گفت مرا رتبه‌ی اعظم نبود

به غلط آن همه شوق و شعفم بود ز تو

گر چنین است که بر ابروی من خم نبود

پاسخ ملک‌الشعراى بهار به وی همراه با اقدام

به چاپ چکامه‌ها و چامه‌های نیت:

زینتا! در غزل خویش به هنگام عتاب

گفته بودی که بر ابروی من خم نبود

غم من از خم ابروی نکورویان است

گر بر ابروی تو خم نیست مرا غم نبود

- بانو افتخارالسلطنه، بانو تاج‌السلطنه و بانو

فروغ‌الدوله، هر سه از دختران ادیب و شاعر

ناصرالدین‌شاه قاجار بودند که مورد احترام رجال آن

دوران قرار داشتند و در محافل خصوصی پدر خود شرکت

می‌کردند. به موسیقی، ادبیات و شعر آشنایی داشتند و از شرایط

سنتی زنان جامعه و دوران خود انتقاد می‌کردند.

عارف قزوینی شاعر معروف در وصف این بانوان هنرمند

اشعاری سروده است.

تاج‌السلطنه در کتاب خاطرات خود که به تشویق معلمش نوشته است، با قلم بسیار جذاب و گیرای خود شرایط ناگوار ازدواج خود و همچنین وضعیت نامساعد اجتماعی زنان دوران خود را مطرح نموده است. ۲۹

### پی‌نوشت‌ها

- ۱- مشیری، دلریش، **زن در دوره‌ی قاجار**، انتشارات دفتر مطالعات دینی و هنر، مدیریت پژوهش، تهران، سال ۱۳۷۵، ص ۱۴۹
- ۲- مشیرسلیمی، علی‌اکبر، **زنان سخنور**، ۲ جلد، انتشارات علمی، چاپ اول، تهران، دی‌ماه، ۱۳۳۵
- ۳- پیشین، جلد ۲، ص ۳۷۸
- ۴- مجله‌ی **زبان زنان**، شماره‌های چهارم و پنجم، سال ۱۳۰۱ هجری شمسی، صص ۱۰ و ۱۱
- ۵- لازم به ذکر است که آقای علی‌اکبر مشیر سلیمی در کتاب خود به نام **زنان سخنور**، نام این اشعار را «فرّ کبان» گفته‌اند و تمام یازده بیت آن شعر را به‌طور کامل آورده‌اند.
- ۶- مشیرسلیمی، علی‌اکبر، منبع یاد شده، ص ۳۷۹
- ۷- انجمن خواتین به ریاست نورالدی خاوهر مه‌رتاج رخشان در سال ۱۳۳۳ هجری قمری تاسیس شد و هدف اصلی این انجمن تربیت و علم و هنر و آموزش صرفه‌جویی و خرید کالاهای وطنی به زنان بود.
- ۸- برای مطالعه‌ی بیشتر رجوع کنید به: **روزنامه‌ی شکوفه**، سال سوم، شماره‌ی ۱۱، ص ۳، مقاله‌ی «همت خواتین محترمه‌ی ایرانی» به قلم نورالدی رخشان
- ۹- مجله‌ی **سپیده‌ی فردا**، فروردین سال ۱۳۳۳ هجری قمری، شماره‌ی پنجم، مقاله‌ی «زنان ایرانی»، صص ۲۷ و ۳۳
- ۱۰- پیشین، شماره‌ی سوم، ص ۲۷
- ۱۱- **نشریه‌ی عالم نسوان**، سال ۱۳۴۱، شماره‌ی ششم، ص ۳۹
- ۱۲- پیشین، شماره‌ی دوم، اشعار شمس کسائی
- ۱۳- مشیرسلیمی، علی‌اکبر، منبع یاد شده، جلد دوم، ص ۲۶
- ۱۴- پیشین، ص ۲۰؛ ۱۵- پیشین
- ۱۶- قدیمی، **فخری، کارنامه‌ی زنان مشهور**، انتشارات وزارت آموزش و پرورش، تهران، سال ۱۳۵۲، ص ۱۱۸
- ۱۷- پیشین، ص ۱۲۰
- ۱۸- آقای ف. بزرگر قبلاً در **روزنامه‌ی ایران** مطالبی در مخالفت با زنان فعال ایرانی نوشته و به چاپ رسانده بود.
- ۱۹- **روزنامه‌ی قانون**، سال ۱۳۰۱ هجری شمسی، شماره‌ی هفدهم، شعر بانو هما محمودی، ص ۲
- ۲۰- مجله‌ی **نسوان وطن‌خواه ایران**، سال ۱۳۰۳ هجری شمسی، شماره‌های پنجم و ششم، صص ۲۴ و ۲۵
- ۲۱- متن کامل این شعر را می‌توانید در منبع ذیل مطالعه بفرمایید: **روزنامه‌ی قانون**، سال ۱۳۰۱ هجری شمسی، شماره‌ی هفدهم، ص ۲
- ۲۲- مشیرسلیمی، علی‌اکبر، منبع یاد شده، جلد دوم، ص ۸۳
- ۲۳- مجله‌ی **نسوان وطن‌خواه ایران**، سال ۱۳۰۳ هجری شمسی، شماره‌های پنجم و ششم، صص ۲۵ و ۲۶
- ۲۴- **نشریه‌ی عالم نسوان**، سال سوم، شماره‌ی پنجم، ص ۲۸
- ۲۵- **فرخزاد، پوران، کارنامه‌ی زنان کارای ایران**، انتشارات قطره، تهران، سال ۱۳۸۱، ص ۱۳۲
- ۲۶- برای مطالعه‌ی این اشعار مراجعه کنید به: مشیرسلیمی، علی‌اکبر، منبع یاد شده، صفحات ۱۵۷ تا ۱۶۰
- ۲۷- **فرخزاد، پوران**، منبع یاد شده، ص ۱۰۲
- ۲۸- مشیرسلیمی، علی‌اکبر، منبع یاد شده، ص ۲۲۷
- ۲۹- **معتضد، خسرو و کسری، نیلوفر، سیاست و هرمسرا (زن در عصر قاجار)**، انتشارات علمی، چاپ اول، تهران، سال ۱۳۷۹ هجری شمسی، صص ۲۹۶ تا ۳۰۰